

دریچه

نقدی بر نمایش مختلف‌الاضلاع نادر فلاح

جاودانگی

ابر اهیم طلعتی‌نژاد

● گروه هنر: نمایش نخست باید به درک صحیح کارگردان (نادر فلاح) از نمایش‌نامه این نمایش (به نویسندگی سهند خجندیادی) اشاره کرد که در راستای ایجاد فضای نمایشی در شکل و ساختاری همسو با درون‌مایه متن در اپیزودهای پنج‌گانه خود تا حد قابل‌توجهی موفق عمل کرده است؛ اپیزودهایی که از دو کاراکتر بهره می‌برند و کارگردان با توجه به همین موضوع ساختار روایت صحنه‌ای خود را بیشتر مبتنی بر تقابل‌های این دو کاراکتر شکل داده است و از حرکت‌های ساده، میزانش‌های به دور از خودنمایی و بازی‌های روان برای تبدیل روایت متن به رخ داده‌های صحنه‌ای استفاده کرده است و به این‌همه باید این نکته را افزود که استفاده‌نکردن از بازجای صحنه‌ای پر از اکسسوار و صحنه‌آرایی به بازنمود درون‌مایه متن که رویکردی فلسفی در خود دارد کمک فراوان کرده تا در این فضای ساده و شاید تحت رخ داده‌های صحنه‌ای پربرنک و مفهومی، به پیچیدگی مفهومی متن در کنار رخ داده‌ها نیچامد و مخاطب را صرفا دچار دیدنی به دور از شنیدن کند و در حرکتی خلاقانه با حذف جست (مردانه، زنانه) جهان یکپارچه مبتنی‌بر تمایلات انسانی وری جنسیت را به خوبی به نمایش گذاشته است، در فضایی ساده و بدون صحنه‌آرایی‌های شلوغ، تا درون‌مایه متن را با استفاده از روایت ساده صحنه‌ای به دور از میزانشن‌های می‌بورد به مخاطب انتقال دهد. هرچند متن نمایش‌نامه با ارجاعاتی شاید ذهن مخاطب ناآشنا به این ارجاعات را کمی مخدوش کند، اما با بازی صحیح بازیگرها و تکیه بر دیالوگ‌نویسی خوب متن که در بستر رخ داده‌های مهم تاریخی با شخصیت‌های مهم هنری و سیاسی و نیز با تکیه بر تمایلات آشنای انسانی در جاه‌طلبی‌ها، بستری مناسب را برای این تمایلات به مقوله جاودانگی در نگاه‌ها و زاویه‌های مختلف پیش‌روی مخاطب قرار می‌دهد. هرچند رویکرد فلسفی نهفته در متن جاودانگی را به نوعی امر ناممکن دانسته که نه هنر و نه قدرت‌طلبی‌های افسارگسیخته قادر به دستیابی به آن نیست و آنچه هست، هستی و حقیقتی ورای آن است که جاودانه می‌ماند. انسان در این گذرگاه ناخواسته دستخوش اتفاقاتی ورای اراده خویش است که زندگی او را سرانجام می‌بخشد. اما نکته قابل‌توجه اپیزود پنجم است که با فاصله از اپیزودهای قبلی در امتداد جهان خلق شده در نمایش کمی فاصله گرفته و در پایدانی که باید برای این مختلف‌الاضلاع مناسب باشد، چندان موفق عمل نمی‌کند.

اپیزودها

در اپیزود اول با کشیشی مواجهیم که نماینده خدا و همان جاودانگی است و هنرمند نقاشی که خود را خالق اثر هنری می‌نامد و خالق هنر را که هر دو به نوعی در اسارت تمایلات ناشی از دنیای اطراف و خواسته‌ها و تمایلات انسانی، ناخواسته جایگاه جاودانگی خود را ویران می‌کنند. در اپیزود دوم با دون‌کیشوت و سانچو روبه‌رو می‌شویم. سانچو از عدم درک زندگی می‌گوید و تلفظ کلمات سخت را هرچند بهتر، به کلماتی که راحت‌تر ادا می‌شود ترجیح می‌دهد؛ کتابی‌ای که شاید به عدم درک و کوش فراوان انسان‌ها به آنچه در هله اول به مصلحت، نه به خردورزی و رویکردی انسانی و اخلاقی است و جایی در پرده دیگر سوفوکل روح جوان را به سانچو نسبت می‌دهد و جاودانگی را به نوعی در سانچو یادآور می‌شود. در این پرده با شخصیت‌هایی روبه‌رو هستیم که بلاهت گفتارشان آنچه را فلسفه به آن می‌پردازد یادآور می‌شود و انتخاب هوشمندانه برهه تاریخی دون‌کیشوت افول قهرمان در راستای مفهوم اسطوره‌ای خود در تقابل با دنیایی که به سمت جامعه ماشینی به پیش می‌رود.

در اپیزود بعد به هیتلر و هیملر می‌رسیم؛ هیتلری که در خودشیفتگی غرق شده و هیملری که سرپریدگی انسان ناگاه را نمایان می‌کند.

آخرین جایزه جهانی کیارستمی به موزه سینما رسید

● گروه هنر: در سومین سالروز درگذشت عباس کیارستمی (۱۳۴۴ تا ۹۸)، جدیدترین جایزه جهانی این کارگردان سرشناس سینمای ایران که از سوی برگزارکنندگان جشنواره فیلم «اوراسیا» اعطا شده است، در ویتترین جایزه و یادگارهای این هنرمند در موزه سینما قرار گرفت. این جشنواره در چهاردهمین دوره برگزاری خود و در برگزداشت عباس کیارستمی، جایزه ویژه‌ای را به این کارگردان اهدا کرد که در سالروز تولد خالق «خانه دوست کجاست؟»؛ با نظر بهمن کیارستمی به موزه سینمای ایران اهدا شد. جایزه جشنواره «اوراسیا»، جدیدترین جایزه بین‌المللی عباس کیارستمی از جشنواره‌ها و مجامع جهانی است. این جایزه در کنار نخستین نخل طلای کن سینمای ایران، جوایز و یادگارهای این کارگردان در سالن بین‌المللی موزه سینمای ایران در معرض دید عموم قرار گرفته است.

رضا احمدی، کارگردان نمایش‌های «مادر» و «پدر»:

عسل عباسیان: رضا احمدی، از هنرمندان تئاتر مشهد که پیش‌تر برای نمایش «خروس» هم موفقیت‌هایی بین‌المللی داشت، این شب‌ها به‌طور هم‌زمان دو نمایش «مادر» و «پدر»، نوشته فلوریان زلر فرانسوی را در تئاتر مستقل تهران روی صحنه می‌برد؛ نمایش‌هایی که بازنگرانی مانند مهدی پاکدل، مسعود کرامتی و... در آن به ابیافی نقش می‌پردازند. این هنرمند مشه‌دی می‌گوید اگر در شهرستان تئاترهاش را روی صحنه ببرد، هیچ‌وقت نمی‌تواند به بدنه تئاتر ایران نفوذ کند و حضور در جریان جدی تئاتر ایران به‌شرط روی صحنه‌بردن نمایش در پایتخت است. با او به مناسبت اجرای این دو نمایش در تهران گفت‌وگویی در تیتب دادم که می‌خوانید.

● شما پس از بازیابی نمایشستان، دوبار از سوی شورای نظارت فراخوانده شدید تا جرح وتعدیل‌هایی را مجدداً اعمال کنید. این فراخواندن‌ها به چه علت بود؟

نمایش «مادر» واقعا از اساس هیچ نکته خاصی ندارد. در بازیابی نمایش هم هیچ نکته‌ای برای حذف یا تغییر متذکر نشدند، ولی بعد از چند اجرا یک‌بار من را خواستند و نکاتی مطرح کردند و من مواردی را حذف کردم و دوباره مرا خواستند که تذکراتی به من بدهند. وقتی نمایش بازیابی می‌شود و ما طبق همان بازیابی اجرا می‌کنیم، نمی‌دانم دیگر این‌س تذکرات دوباره چیست.

● از نکاتی که نقد کردند، چه چیزهایی بود؟ نکاتی که مورد نقدشان بود مسئله‌ای مثل کلاه‌گیس و... بود که دیگر کاملاً در تئاتر ایران عرف شده است.

● چرا هم‌زمان دو متن از فلوریان زلر را روی صحنه بردید؟

زلر واقعا یکی از نمایش‌نامه‌نویسان روز دنیااست و نگاه و نگارشش طوری است که همسو با نگاه امروزی جوامع است و ترجمه‌هایی که از آن شده راه او را به تئاتر ایران باز کرد و هرکدام از نمایش‌نامه‌هایش را که رضا آشفته: نمایش «نفرین قحطی‌زدگان» از مهم‌ترین نمایش‌نامه‌های سم شپارد آمریکایی است که با ترجمه و کارگردانی «اشکان خطیبی» دارد در تماشاخانه سمندریان اجرا می‌شود. نمایشی که رؤیای آمریکایی را به چالش می‌کشد و در آن به‌گونه‌ای دارد پایان این رؤیا را رقم می‌زند و در آن سقوط تراژیکِ در یک خانواده آمریکایی به وقوع می‌پیوندد و ما می‌بینم که پدر خانواده به‌دلیل دائم‌الخمری‌بودن و قمارکردن، همه زندگی‌اش را از دست داده و دیگر انگیزه و رؤیایی برای تداوم حیات ندارد. او خانه و باغ و مزرعه‌اش را به یک مرد صاحب مینکده فروخته، درحالی‌که به‌دلیل بیمار‌بودن و الکلی‌بودن آدم‌های صاحب این کار را ندارد. از این‌سو مادر خانواده نیز به کمک یک وکیل در حال فروش خانه است. پسر خانواده درصدد است که به بره بیمار رسیدگی کند و در تازه‌ای برای خانه بسازد و در شکسته را عوض کند که جلوی همین‌طوری دیگران را به این خانه بگیرد. دختر خانواده حالت یاغی‌گری یافته و برای آنکه انتقامش را از آن مرد مینکده‌دار بگیرد، به بارش هجوم می‌برد و پلیس او را دستگیر می‌کند. بعد هم از آنجا می‌گریزد و به‌دنبال بخت خود عزم می‌کند که سر از مکزیک درآورد. پدر هم در یک روز به‌ناگه تصمیم گرفته امپدوارانه زندگی کند و دست از آن گذشته نامعلوم بردارد، درحالی‌که پلیس در پی اوست و به‌ناچار او هم قصد گریز به مکزیک را می‌کند. اما خانه از پای‌صحت ویران است. در این گزارش، با اشکان خطیبی مروری کرده‌ایم بر روند و روال اجرای نمایش نفرین قحطی‌زدگان.

ترجمه

خطیبی نمایش‌نامه «نفرین قحطی‌زدگان» را ۱۴ سال پیش ترجمه کرده است که سرانجام سال گذشته مجوز انتشار آن صادر شد. کتاب «عشق و ناامنی» که شامل دو نمایش‌نامه شپارد از جمله «نفرین قحطی‌زدگان» و «عشق وحشی» است، پس از استقبال مخاطبان در مراسم اعضای این کتاب در تهران، اصفهان، رشت، تبریز و مشهد به چاپ چهارم رسید.

از نگر خطیبی، «نفرین قحطی‌زدگان» نمایش‌نامه جذابت‌رنجی نیست به «لذکن»؛ است و جزء ۱۰ نمایش‌نامه برتر قرن بیستم است. این نمایش‌نامه یکی از سه‌گانه‌های شپارد درباره خانواده آمریکایی است که خطیبی فکر می‌کند به‌خاطر اینکه تا امروز هیچ اجرایی از این‌نمایش روی صحنه نرفته «نفرین قحطی‌زدگان» نسبت به دیگر نمایش‌نامه‌ها گزینه مناسب‌تری برای اجراست. «نفرین قحطی‌زدگان» یکی از نمایش‌نامه‌های سه‌گانه شپارد در کنار «کودک مدفون» و «غرب حقیقی» درباره خانواده آمریکایی است که حال‌وهوای آن به شکل عجیبی با وضعیت کنونی سختی دارد.

خطیبی که خود متن‌های سم شپارد را ترجمه کرده است، درباره اینکه چرا انتشار این ترجمه به تعویق افتاده، می‌گوید: «دلیل به‌تعویق افتادن انتشار «نفرین قحطی‌زدگان» حجم بالای حذفیات بود که قرار بود در نمایش‌نامه اعمال شود، به‌ویژه روی دو صحنه و یک کانسیبت اصلی نمایش که حقیقتاً قابل حذف‌شدن یا سانسورکردن نبود و کل فحوای نمایش را تحت تأثیر قرار می‌داد و چندین صحنه مرتبط به آن دچار ایراد می‌شد. در دوره‌های متفاوت مدیران ارشد، هر بار که نمایش‌نامه ارجاع داده می‌شد، درخواست اعمال حذفیات بیشتر را به‌دنبال داشت، نمی‌دانم در چه فرایندی، اما بعد از ۱۴ سال چیزی شبیه به معجزه رخ داد و اتفاقاً امجد دو نمایش‌نامه‌ای را که به ایشان داده بودیم، با هم ممزوج کردند و نام آن را عشق و نفرین گذاشتند و مجدداً را به شکل عجیبی ارائه دادند و در نهایت مجوز چاپ گرفت.»

خواندم، بیشتر مجذوب نگاه و جهان‌بینی او شدم.

● چرا تصمیم گرفتید هم‌زمان نمایش‌نامه‌های «مادر» و «پدر» را روی صحنه ببرید؟

در بین نمایش‌نامه‌های زلر این دو نمایش به لحاظ ساختار و محتوا خیلی به هم شبیه بودند و از طرفی نام این دو نمایش‌نامه یک مفهوم یگانه و شبیه به هم را به ذهن متبادر می‌کند. نمایش‌نامه‌ها خیلی به لحاظ محتوا شبیه به هم بودند و من فکر کردم مقدر جالب خواهد بود که این دو نمایش را به مثابه دو اپیزود از یک نمایش واحد روی صحنه ببریم، ولی به لحاظ زمان اجرا و مشکلات اجرایی گروه نمی‌شد این دو نمایش را پشت‌سرهم روی صحنه برد. به این فکر کردم که یک‌شب‌درمیان این دو نمایش را روی صحنه ببریم، ما با گروه دو نمایش را هم‌زمان تمرین کردیم. در میزانش‌ها و نگاه‌ها هم نکات مشترکی وجود دارد و دکور واحد و... داریم و تأکیدمان این است که این دو نمایش، یک نمایش واحد هستند.

هنر

رضا احمدی، کارگردان نمایش‌های «مادر» و «پدر»:

تئاتر شهرستان جدی گرفته نمی‌شود



عسل عباسیان: رضا احمدی، کارگردان نمایش‌های «مادر» و «پدر»

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلیایم و اینجا کار کنیم.

● شما از هنرمندان تئاتر مشهد هستید و نمایش‌های قبلی‌تان را در آنجا اجرا کرده‌اید. چه شد که این‌بار برای اجرای تئاتر به تهران آمدید؟

تئاتر شهرستان اسمش رویش است و نگاه همه رسانه‌ها و مسئولان به این تئاتر نگاه درجه دو و حاشیه‌ای است. هرکاری هم بکنید در نهایت تئاتر شهرستان، تئاتر شهرستان است و به نظر بار استعماری دارد و با این کلمه هزار بلا سر شهرستان می‌آوردند. تئاتر شهرستان، متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود؛ مثلاً من سال ۹۵ با نمایش «خروس» در جشنواره خچوف روسیه برگزیده شدم و جایزه بهترین نمایش را هم گرفتم و اصلاً رسانه‌های ملی روی آن مانور ندادند، چون از مشهد بود. اما اگر تئاتری از تهران بود، حتماً پروپاگاندا می‌شد. شبی پنج، شش نمایش در مشهد روی صحنه می‌رود، اما نگاه بخش حرفه‌ای و مسئولان نگاه درجه دو است، بنابراین ما را مجبور می‌کنند به پایتخت بلی